

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۰، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۳۴۷ تا ۳۶۲

## روش‌های ارزیابی خسارت بر اساس کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و بررسی تطبیقی آن با حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و اصول حقوق قرارداد اروپایی\*

سید عباس موسوی\*

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۹)

### چکیده

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰م (Convention on Contracts for the International Sale of Goods 1980 (CISG)) برای جبران خسارت فروشنده یا خریدار از فسخ قرارداد و نقض تعهد طرف مقابل، دو روش مختلف را در دو ماده ۷۵ و ۷۶ مطرح نموده است. بر مبنای ماده ۷۵ انجام معامله جایگزین و فروش کالا به دیگری یا خرید آن از دیگری از سوی زیان‌دیده و سپس مطالبه تفاوت قیمت کالا مندرج در قرارداد اولیه و ثمن آن در معامله جایگزین از طرف مقصر معرفی شده است. در ماده ۷۶ نیز مطالبه تفاوت بین قیمت کالا در قرارداد اولیه و بهای رایج آن در بازار در زمان فسخ و یا زمان قبض کالا پیش از فسخ، پیش‌بینی شده است. اقدام به هر یک از این روش‌ها به رعایت شرایطی چون فسخ قرارداد اولیه، تحمل خسارت، انجام معامله دوم به شیوه متعارف و در زمانی معقول وابسته شده است. در اصول اروپایی حقوق قرارداد و در مواد ۵۰۶-۹ و ۵۰۷-۹ روش‌های پیش‌گفته به رسمیت شناخته شده است، لیکن مطالبه خسارت بر مبنای مابه‌التفاوت ثمن یادشده در قرارداد و بهای رایج در زمان قبض کالا پیش از فسخ- که در انتهای بند ۱ ماده ۷۶ کنوانسیون آمده- در این اصول قابل ملاحظه نیست. در حقوق انگلیس و مقررات موضوعه فرانسه هم گرچه روش‌های یادشده به نحو صریح انعکاس نیافته است، اما به اعتقاد اندیشمندان حقوقی این دو کشور، روح مقررات حاکم در این دو کشور با این مفاهیم بیگانه نیست. دولت ایران تاکنون به کنوانسیون ملحق نشده و در مقررات داخلی به شکل صریح اجازه ارزیابی خسارت به شیوه‌های پیش‌گفته را صادر نکرده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه رویه قضایی بر اساس ضمان قهری و قواعد عام مسئولیت مدنی بسته به نوع رابطه حقوقی طرفین و دعاوی برآمده از آن، به روش‌های گوناگون مطالبه خسارت را ترسیم نموده است. مطالبه خسارت بر مبنای آنچه در قرارداد توافق شده (ماده ۲۳۰ قانون مدنی)، ناشی از فساد معامله و تعلق مبیع به غیر بر مبنای ارزش روز ثمن (ماده ۳۹۱ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳-۱۵ مهر ۱۳۹۳)، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بر اساس شاخص نرخ تورم در دعاوی مطالبه وجه رایج کشور (ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی) و مطالبه خسارت بر اساس نظریه کارشناس (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی) از شیوه‌های گوناگون معمول در این نظام است.

### واژگان کلیدی

بهای رایج، خسارت، قابلیت پیش‌بینی ضرر، مسئولیت مدنی، معامله جایگزین، نقض قرارداد.

## مقدمه

فکر بهبود رژیم حقوقی حاکم بر خرید و فروش بین‌المللی کالا و ایجاد وحدت حقوق خصوصی در این امر، دغدغه دانشمندان حقوق بوده که نقطه آغازش به اوایل دهه ۱۹۳۰م برمی‌گردد. ایجاد وحدت و توازن بین حقوق کشورهای مختلف زیر نظر «مؤسسه بین‌المللی برای وحدت حقوق خصوصی (Unidroit)»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۳۰م شروع شد. طرحی از سوی کارشناسان این مؤسسه طی ۴ سال با مطالعه نظام‌های مختلف حقوقی و رویه مطلوب کشورهای اروپایی فراهم شد که جنگ جهانی اول در سال ۱۹۳۹م آن را متوقف کرد.

مطالعه و تدوین کنوانسیون موردنظر را به آنسیترال (UNCITRAL) محول نمود. پس از بررسی‌های لازم دو طرح راجع به آثار بیع و انعقاد قرارداد بیع به شکل منسجم ارائه شد. در سال ۱۹۷۸م آنسیترال هر دو طرح را تصویب نمود که در همان سال به «مجمع عمومی سازمان ملل متحد» تقدیم شد. مجمع پس از نظرخواهی از کنفرانس بین‌المللی که به این منظور در سال ۱۹۸۰م با شرکت ۶۲ کشور و ۸ سازمان بین‌المللی در وین تشکیل شد و با نظر موافق آن، طرح آنسیترال را با اصلاحاتی در قالب «کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا» در ۴ فصل و ۱۰۱ ماده به تصویب رساند (<http://www.uncitral.org/english/status-e.htm>). این کنوانسیون از اول ژانویه ۱۹۸۸ به اجرا گذاشته شد و دولت ایران با وجود انعکاس قواعدی از آن در مقررات داخلی تاکنون به آن ملحق نشده است.

در پژوهش حاضر، مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون که متضمن روش‌های جبران خسارت ناشی از فسخ یا نقض قرارداد بیع باشد، بررسی می‌شود. کنوانسیون «انجام معامله جایگزین» و «مطالبه بهای رایج بازار» را به‌منظور جبران زیان متضرر از قرارداد در نظر گرفته است. این دو شیوه در اصول حقوق قرارداد اروپایی با اندک تفاوت منعکس شده است که تحلیل حقوقی آن با مطالعه شیوه عمل چند نظام حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران به شرح آتی ارائه می‌شود.

در این خصوص قانون‌گذار کشورمان به موجب نصوص قانونی اجازه انجام معامله جایگزین و نیز مطالبه بهای رایج بازار را صادر نکرده و روش‌های جبران خسارت زیان‌دیده از تخریب طرف مقابل را در قالب‌های مختلف، بسته به نوع رابطه حقوقی طرفین، اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر این رابطه و چگونگی خسارت وارده، قرار داده است.

1. Institut international pour l'unification du droit prive (international institute for unification of private law)

## پرداخت خسارت

### ۱. پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد

در صورت عدم انجام تعهد و «نقض قرارداد» از سوی یکی از طرفین، زیان دیده در کنار سایر روش‌های جبرانی ۱ به پیشنهاد کنوانسیون می‌تواند از اختیار مطالبه «خسارت» از متعهد ناقض تعهد استفاده نماید، مگر آنکه متعهد بتواند به موارد معافیت از پرداخت خسارت استناد کند. پرداخت خسارت متکی به نقض تعهد بوده، برای دریافت خسارت ضرورتی ندارد که بستانکار تقصیر بدهکار را در ورود خسارت ثابت نماید، بلکه امکان استناد به نقض تعهد کافی خواهد بود. به عبارتی، مطالبه خسارت با اثبات تقصیر طرف متخلف ملازمه‌ای ندارد.

#### ۱.۱. شرایط کلی مطالبه خسارت

مطالبه خسارت ناشی از نقض قرارداد از سوی زیان دیده مشروط به حصول شرایط زیر است:

الف) باید زبانی به وی وارد شده باشد، چراکه جبران خسارت بدون وقوع زیان قابل تصور نیست. «مشخص کردن این مسئله نباید مشکل باشد، زیرا اکثر موارد نقض قرارداد مانند تحویل دیر هنگام، عدم پرداخت ثمن کالا، و عدم انطباق کالا با مشخصات، به احتمال زیاد نوعی از زیان اقتصادی را وارد می‌سازد» (Indira carr, 2005, P. 85).

ب) باید نقض قرارداد صورت گرفته باشد. صرف این امر کافی است و لازم نیست خواننده مرتکب تقصیر شده باشد.

ج) بین نقض قرارداد و خسارت وارده «رابطه سببیت» وجود داشته باشد.

د) ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد. خواننده مسئول زیان‌هایی است که هنگام انعقاد قرارداد به عنوان زیان ناشی از نقض قرارداد قابل پیش‌بینی بوده است (ماده ۷۴ کنوانسیون) (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۶۸).

برخی بر این عقیده‌اند که قابلیت پیش‌بینی نوع ضرر کافی است و لازم نیست میزان آن هم قابل پیش‌بینی باشد (داراب‌پور، ۱۳۹۱، ص ۸۴).

#### ۱.۲. اقدام مطالبه‌کننده خسارت به «تقلیل خسارت» (Mitigation of Damages)

ماده ۷۷ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند تکلیف دارد با

۱. سایر روش‌های جبرانی نظیر فسخ قرارداد revocation of contract یا اجرای اجباری specific performance در مواد ۴۵ به بعد و ۶۱ به بعد آمده است.

توجه به اوضاع و احوال، اقدامات متعارفی برای مقابله با خسارت، از جمله «عدم‌النفع» (Loss of profit) ناشی از نقض قرارداد معمول دارد. در صورتی که وی موفق به چنین اقدامی نشود، طرفی که قرارداد را نقض کرده می‌تواند به میزانی که خسارت قابل پیشگیری بوده، مدعی کاهش خسارت گردد».

در مورد اقدامات مناسب مورد انتظار از دو طرف قرارداد برای کاهش خسارت، کنوانسیون ساکت است، ولی این اقدامات اعم از اقدام فروشنده در بازفروش کالا، یا اقدام خریدار در انجام خرید جایگزین و امثال آنها می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱-۱۹۹).

استناد به این قصور زیان‌دیده برای فروشنده زیان‌رساننده در دو مورد قابلیت استناد ندارد: مورد اول ادعای فروشنده برای پرداخت ثمن یادشده در ماده ۶۲ کنوانسیون، و مورد دوم تقلیل ثمن از سوی خریدار موضوع ماده ۵۰ کنوانسیون (تقلیل ثمن به‌واسطه عدم مطابقت کالا با قرارداد).

در مطالعه حقوق فرانسه راجع به موضوع کاهش خسارت نسبت به کنوانسیون شاهد دو نگاه متفاوت هستیم: از یک سو عنصر «تقصیر عمدی» مدیون مستوجب مسئولیت وی در پرداخت تمام خسارات محتمل و غیرمحتمل است؛ امری که کنوانسیون دلالتی بر آن ندارد و از سوی دیگر، «تقصیر زیان‌دیده» جانشین «تکلیف وی در کاهش زیان» شده و متضمن معافیت زیان‌رساننده به آن نسبت در پرداخت خسارت است (Treitel, 1988, p. 179).

در اصول حقوق قرارداد اروپایی (Principles of European Contract Law (PECL)) بر مبنای ماده ۵۰۵-۹ شرط تقلیل خسارت از سوی زیان‌دیده را پیش‌بینی نمود.

در حقوق مدنی ایران به تاسی از فقه امامیه تأسیس مستقلی با عنوان «تقلیل خسارت» وضع نشده است. با این وصف، ذیل عناوین «تسبیب»، «اتلاف»، «ضمان» و «مسئولیت مدنی» نشانه‌هایی از پذیرش مسئولیت زیان‌دیده را در تحمل خسارتی که خود به‌واسطه تقصیر و قصور خارج از حدود عرف و منطق به‌بار آورده است، می‌توان ملاحظه کرد. از جمله بر اساس «قاعده اقدام» اگر خسارت وارده به‌واسطه اقدام زیان‌دیده باشد، مسئولیت ناشی از آن برعهده خود وی نهاده می‌شود. البته در بین فقها، شیخ مرتضی انصاری قائل به حجیت قاعده اقدام به‌عنوان یک قاعده عام نیست، اما سایر فقها از جمله شیخ طوسی برای نمونه در موضوع عقد فاسد (ضمان مقبوض به عقد فاسد) برای قاعده یادشده اعتبار قائل شده‌اند (انصاری، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰۸).

نشانه‌های پذیرش قاعده «تقلیل خسارت» از سوی قانون‌گذار ایرانی و انعکاس آن در مقررات موضوعه را می‌توان در مواد ۱ و ۷ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ش و مواد ۴ و ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث... مصوب ۱۳۹۵ش و مواد ۵۰۷ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی و بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی ملاحظه کرد. همین‌طور در ماده

۱۰ و بند ۲ ماده ۷ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده مصوب ۱۳۵۷ش (Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road) این نهاد پذیرفته شده است.

## ۲. محاسبه خسارت ناشی از تخلف یک طرف قرارداد

به‌طور کلی اصل بر لزوم جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد بوده، زیان‌رساننده تکلیف دارد زیان‌دیده را حتی‌المقدور به وضع و شرایط اجرای صحیح و کامل قرارداد نائل سازد (Treital, G.H. p. 75). به باور نویسندگان کنوانسیون، محاسبه خسارت ناشی از فسخ قرارداد مهم‌ترین و مؤثرترین ضمانت اجرایی است. رعایت این امر مهم به مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون محمول شده است؛ دو مقرره‌ای که ویژه فسخ قرارداد بیع از سوی هریک از طرفین بوده و محتوی قواعد کاربردی و طریق عملی ارزیابی و تقویم خسارت به مبلغی پول است؛ چاره‌ای که برای تأمین منافع و انتظارات مشروع طرفین (Expectation Interest) از انعقاد قرارداد، مد نظر قرار گرفت.

راه‌حل و طریق پیش‌بینی شده برای محاسبه خسارت عبارت‌اند از:

الف) اقدام به انجام «معامله جایگزین» (Substitute Transaction) و مطالبه تفاوت قیمت قرارداد اولیه و معامله جایگزین به‌عنوان خسارت بر مبنای ماده ۷۵ کنوانسیون.  
ب) مطالبه تفاوت قیمت قرارداد اولیه که فسخ گردید با «قیمت رایج» کالا در بازار در لحظه فسخ قرارداد، یا زمان تحویل به متصدی حمل و نقل، و یا به‌عبارتی بهای روز کالا به‌عنوان خسارت بر مبنای ماده ۷۶ کنوانسیون.

## معامله جایگزین (بدلی)

ماده ۷۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «هرگاه قرارداد باطل باشد و مشتری پس از بطلان به شیوه‌ای متعارف و در ظرف مدت معقولی کالای دیگری به جای مبیع خرید، یا فروشنده مبیع را به دیگری فروخته باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت ثمن یادشده در قرارداد با ثمن معامله جایگزین و همچنین هر نوع خسارت که به موجب ماده قبل قابل تحصیل باشد، مطالبه و وصول نماید».

محاسبه خسارت بر مبنای معامله جایگزین منوط به رعایت شرایط زیر است:

- بیع از سوی متعهدله فسخ شده باشد (به‌واسطه نقض اساسی قرارداد از سوی طرف دیگر بر مبنای مواد ۴۹ و ۶۴)<sup>۱</sup>.

۱. کنوانسیون صرفاً فسخ را شناسایی نموده، قائل به تنفیذ انفساخ یا فسخ خودبه‌خود (IPSO facto) قرارداد نیست؛

- فسخ‌کننده اقدام به معامله‌ جانشین کرده باشد.
- بین فسخ قرارداد اصلی و معامله‌ جانشین، مدت زمان متعارفی فاصله افتاده باشد.
- شیوه‌ معامله‌ جانشین به طور متعارف باشد؛ برای مثال، بایع نباید کالایش را به حراج دهد و مشتری نباید آن را به قیمت گزاف بخرد.
- مشتری کالا را به قیمت بیشتری از قیمت آن در قرارداد فسخ شده خریده و یا بایع به قیمت کمتری فروخته باشد (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹).

## ۱. انعقاد قرارداد جایگزین

### ۱.۱. تشخیص قرارداد جایگزین

از روش معامله‌ جایگزین در برخی متون حقوقی با عنوان روش ارزیابی عینی یا واقعی (concrete calculation/concrete approach) تعبیر شده است. چه در واقع خسارت بر مبنای معامله‌ جایگزین شناسایی شده، محاسبه‌ تفاوت آن با قیمت قرارداد مشکل نیست (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۵؛ بهمنی، ۱۳۸۶، ص ۸۲-۳۹).

هدف و مقصود غایی ماده ۷۵ کنوانسیون صیانت از حقوق اولیه و مسلم متعهدله از اجرای قرارداد یا همان چیزی است که با عنوان «منفعت موردنظر» شناسایی شده است. کنوانسیون از این طریق می‌خواهد منافع طرف زیان‌دیده از نقض (the aggrieved party) را (در صورت رعایت شرایط یادشده) تأمین کند (Anson, 1998, P. 564).

تشخیص اینکه کدام خرید (از سوی خریدار) یا فروش (از سوی فروشنده) قرارداد جایگزین موضوع ماده ۷۵ کنوانسیون است، به‌ویژه درجایی که متعهدله زیان‌دیده در حال فعالیت مستمر در بازار خرید و فروش همان کالا است، سخت و دشوار به‌نظر می‌رسد (نقل از پروفیسور نپ در بازار خرید و فروش همان کالا است، سخت و دشوار به‌نظر می‌رسد (نقل از پروفیسور نپ Hannold.p. 508 – Knapp). ولی می‌توان از طریق اخطار و اعلام کتبی به قصد پرهیز از اختلاف احتمالی در این خصوص، قصد خود را دایر بر انجام معامله‌ جایگزین به طرف مقابل (ناقص قرارداد) اعلام نمود. در صورت عدم اعلام و اخطار کتبی، باید رجوع به اولین خرید یا فروش کالاهای مشابه از سوی زیان‌دیده پس از صدور اخطار فسخ قرارداد را به‌منظور رعایت «زمان متعارف و معقول» یادشده در ماده ۷۵ ملاک قرار داد (Honnold, 1980, p. 508-509)؛ (Schlechtriem, 1991, p. 553).

یکی از شرایط اساسی مطالبه‌ خسارت بر مبنای معامله‌ جایگزین، فروش مجدد کالا یا خرید

---

مگر در صورتی که طرف متعهد خود به‌نحو صریح و به‌طور برگشت‌ناپذیر نقض قرارداد از سوی خود را اعلام دارد یا اعمالی بر این معنا صادر کند. در این صورت، اقدام متعهدله به انجام معامله‌ جایگزین فسخ را مفروض می‌نماید.

کالای جانشین به شیوه متعارف است. متعهدله بی‌آنکه در قید ملاحظات خاصی از جهت رعایت قالب و محتوای جدید باشد، لازم است همچون یک تاجر دقیق، منصف و عاقل، منافع و مصالحی را که عرف اقتضای یک معامله متعارف می‌داند، رعایت کند. لذا اگر فروشنده است، تلاش نماید کالا را به بالاترین قیمت بفروشد و اگر خریدار است سعی کند به حداقل ممکن کالا را خریداری نماید. در این بین ضرورتی ندارد که قرارداد جانشین با شروطی برابر با قرارداد اصلی در خصوص موضوعاتی شبیه مقدار، اعتبار یا زمان تسلیم منعقد شده باشد، تاجایی که واقعاً این قرارداد، جانشین قرارداد اصلی باشد که فسخ شده است (داراب‌پور، ۱۳۹۱، ص ۹۶).

## ۲. مطالعه تطبیقی معامله جایگزین

### ۲.۱. معامله جایگزین در حقوق کشورهای فرانسه و انگلیس

در مقررات داخلی فرانسه سازوکار یادشده در ماده ۷۵ کنوانسیون دایر بر محاسبه خسارت از طریق معامله جایگزین و شرایط انجام آن به‌صراحت بیان نشده است، اما به باور برخی حقوق‌دانان، حقوق این کشور سازگار با این شیوه است؛ چنان‌که آرایه‌ی نیز همسو با آن برای فروشنده یا خریدار زیان‌دیده از فسخ قرارداد با رعایت شرایط یادشده در کنوانسیون، از جمله متعارف بودن معامله جایگزین و انجام آن در مدت زمان معقول صادر شده است (Huet, Jerome 1996. P. 568). در حقوق انگلیس محاسبه خسارت ناشی از فسخ قرارداد با آنچه در کنوانسیون گفته شد شباهت زیادی دارد. در این نظام حقوقی استحقاق طرفین به دریافت خسارت به دو صورت ممکن است بروز نماید؛ نخست، وقتی که یکی از تعهدات اساسی قراردادی نقض شود که در این حالت طرف زیان‌دیده حق خواهد داشت نسبت به فسخ قرارداد و مطالبه خسارت اقدام کند. دوم، وقتی که تعهدات قراردادی که اهمیت آن‌ها کمتر از موارد یادشده است نقض گردد، که در این حالت طرف زیان‌دیده فقط حق مطالبه خسارت یا کاهش قیمت کالا را خواهد داشت، نه فسخ قرارداد (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۷).

### ۲.۲. معامله جایگزین در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران و قوانین موضوعه از جمله قانون مدنی، حکم صریحی در باب ارزیابی خسارت ناشی از نقض قرارداد و امکان تحقق آن در شکل معامله جایگزین بیان نشده است. دکتترین و رویه قضایی نیز مسئولیت قراردادی را از قواعد ضمان قهری بهره‌برداری می‌نماید. اتخاذ این رویه در مواردی مفید هم بوده، چراکه به‌رحال مسئولیت قراردادی نیز چهره‌ای از مسئولیت مدنی به معنای عام است (کاتوزیان، ۱۳۷۰ «الف»، ش ۷۴۸).

با این وصف از جستجو در مقررات مختلف، قواعد مربوط به خسارت قراردادی و لزوم شناسایی و جبران آن آشکار می‌شود. برابر ماده ۲۲۲ قانون مدنی، متعهدله می‌تواند با اجازه قاضی دادگاه تعهد انجام‌نیافته متعهد را در وضعی که قائم به شخص وی نباشد خود انجام دهد و هزینه انجام را از متعهد مطالبه کند. همین حکم در اجرای ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی<sup>۱</sup> نسبت به اختیار دادگاه درباره شیوه جبران خسارت در مسئولیت قراردادی قابل اجرا است (کاتوزیان، ۱۳۷۷ «ب»، ص ۲۲۳).

در ماده ۲۳۸ قانون مدنی انجام فعل موضوع تعهد از سوی شخص ثالث در صورتی که اجرای آن از سوی متعهد مقدور نباشد، با هزینه خود متعهد تجویز شده است. اما ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی در مقیاس وسیع‌تر علاوه بر شرط فعل، به امتناع محکوم‌علیه از انجام عمل معین موضوع محکومیت که می‌تواند شامل تعهدات اصلی باشد، پرداخته و اجازه انجام آن از سوی شخص ثالث را صادر نموده است. همچنین متعهدله حق دارد تمام خسارت ناشی از تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام تعهد را که ناشی از تقصیر خوانده باشد از وی مطالبه کند.

### ۳.۲. معامله جایگزین در اصول حقوق قرارداد اروپایی

قواعد کلی حاکم بر عدم ایفای تعهدات قراردادی و شیوه‌های جبران خسارت در مواد ۱۰۱-۸ به بعد اصول حقوق قرارداد اروپایی آمده است. در بند ۱ ماده ۱۰۱-۸ آمده است: «هرگاه یکی از طرفین، تعهدات قراردادی را اجرا نکند و عدم اجرا مطابق ماده ۱۰۸-۸ موجه نباشد، طرف متضرر می‌تواند به هریک از شیوه‌های جبران خسارت که در بخش ۹ آمده است، استناد کند». در ماده ۱۰۲-۸ به ترکیب شیوه‌های جبران خسارت در صورت عدم تعارض تصریح شده است. در فصل نهم چگونگی جبران خسارت بر مبنای تعهدات پولی و تعهدات غیرپولی آمده است. در ماده ۵۰۲-۹ نیز ضابطه کلی برای تعیین میزان خسارت عبارت از مبلغی دانسته شد که شخص زیان‌دیده را تا جایی که امکان دارد در موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد سر موعد اجرا می‌شد شخص در آن موقعیت قرار می‌گرفت. این خسارات زیان‌هایی است که به زیان‌دیده وارد شده و سود و منفعتی است که از وی دریغ گردیده است. این همان چیزی است که کنوانسیون ۱۹۸۰م به‌دنبال آن بوده است؛ یعنی اعاده وضع متعهدله خسارت‌دیده از نقض قرارداد به موقعیت پیشین که در صورت اجرای کامل و بدون عیب قرارداد در آن موقعیت قرار می‌داشت (Anson, 1998, p. 565, 568).

۱. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی: «دادگاه میزان زیان، طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد».



در ماده ۵۰۶-۹ اصول حقوقی اروپا به‌صراحت به معامله جایگزین اشاره شده است: «در مواردی که شخص زیان دیده، قرارداد را فسخ می‌کند و معامله جایگزین در مدت زمان متعارف و به شیوه متعارف منعقد می‌کند، می‌تواند علاوه بر استرداد مابه‌التفاوت ثمن قراردادی با ثمن جایگزین، برای هرگونه ضرر و زبانی که در آینده ممکن است به‌وجود بیاید تا حدی که بر اساس این بخش قابل استرداد باشد، تقاضای جبران خسارت کند».

### مطالبه بهای رایج بازار

در صورتی که زیان دیده از فسخ قرارداد به معامله جایگزین و استفاده از قاعده یادشده در ماده ۷۵ کنوانسیون اقدام نکند، می‌تواند گزینه دیگر مقرر در ماده ۷۶ این کنوانسیون، یعنی «مطالبه تفاوت قیمت کالا در قرارداد با قیمت رایج کالا در زمان فسخ بازار» (abstract calculation of loss under the current price rule) را انتخاب کند.

ماده ۷۶ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «۱- در صورتی که قرارداد فسخ شده و برای کالا ثمن رایجی موجود باشد، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت بین ثمن تعیین شده به موجب قرارداد و ثمن رایج در زمان فسخ قرارداد را، مشروط به اینکه کالا را به موجب ماده ۷۵ نخریده یا فروخته باشد، مطالبه کند و نیز هرگونه خسارتی را که به موجب ماده ۷۴ قابل مطالبه است، وصول نماید. باین حال اگر طرفی که مدعی خسارت است پس از قبض کالا مبادرت به فسخ قرارداد کند، ثمن رایج در زمان قبض به جای ثمن رایج در زمان فسخ خواهد بود. ۲- از نظر بند پیشین، قیمت رایج عبارت است از قیمت متداول در محلی که کالا می‌باید در آن محل تسلیم می‌شد، یا چنانچه در آن محل قیمت رایجی موجود نباشد، با احتساب هزینه‌های حمل، قیمت رایج در محل دیگری که عرفاً جایگزین محل یادشده باشد تعیین می‌شود».

قاعده برآمده از ماده ۷۶ کنوانسیون که به قاعده «قیمت رایج بازار» موسوم شده، نسبت به گزینه یادشده در ماده ۷۵ (معامله جایگزین) از ثبات بیشتری برخوردار بوده و همچون گزینه پیش گفته با معیار رعایت عرف قابل تنفیذ است.

#### ۱. عنصر زمان و مکان در تعیین بهای رایج

زیان دیده از فسخ قرارداد بر اساس فرمول یادشده در ماده ۷۶، حسب مورد می‌تواند تفاوت قیمت رایج کالا در بازار را بر مبنای بهای آن در زمان فسخ و یا تفاوت قیمت بر مبنای بهای کالا در زمین تحویل را از متعهد مطالبه کند. مطالبه تفاوت قیمت بر اساس بهای رایج در زمان فسخ در موارد زیر خواهد بود: الف) قرارداد وفق ماده ۷۹ کنوانسیون به دلیل نقض قابل

پیش‌بینی فسخ شده باشد. ب) فروشنده قرارداد را به دلیل خودداری خریدار از پرداخت ثمن (یا فراهم نکردن مقدمات آن مثل گشایش اعتبار) پیش از تحویل یا هنگام تحویل فسخ نماید. ج) خریدار از طریق رد محموله کالاهایی که بسیار معیوب است قرارداد را فسخ کند (Honnold, 1991, p. 510).

چنانچه فسخ پس از تحویل کالا باشد، ملاک تفاوت ثمن المسمی در قرارداد با قیمت زمان تحویل است. در واقع خسارت بر مبنای بهای رایج در زمانی زودتر از فسخ قرارداد، یعنی زمان تحویل کالا، محاسبه خواهد شد.

## ۲. شرایط مطالبه بهای رایج بازار

بر اساس بند ۱ ماده ۷۶ کنوانسیون و تفسیر صحیح و موجه از آن، مطالبه بهای رایج بازار از سوی متعهدله به‌عنوان خسارت ناشی از نقض قرارداد، مستلزم جمع شرایط زیر خواهد بود:

- فسخ قرارداد اولیه. عبارت «در صورتی که قرارداد فسخ شده و...» در آغاز بند ۱ ماده ۷۶ کنوانسیون به‌روشنی نشان می‌دهد که اولین شرط برای مطالبه خسارت از نوع معرفی شده در این ماده، انحلال قرارداد اولیه است. لذا عدم اقدام به فسخ و یا ازدست دادن این حق، امکان مطالبه خسارت را منتفی می‌سازد (Schlechtriem, 1998, P. 582).
- عدم اقدام به معامله جایگزین. متعهدله ملزم به استفاده از روش یادشده بر اساس ماده ۷۵ کنوانسیون نیست، لکن در صورت عدم به‌کارگیری آن، یا اگر اقدام وی به معامله جانشین فاقد شرایط اساسی آن از جمله متعارف نبودن از حیث زمان و مکان و یا غیرقابل تشخیص به‌واسطه معاملات متعدد باشد، می‌تواند از ماده ۷۶ بهره‌مند شود.
- وجود قیمت رایج برای کالا در بازار. مصداق بارز این قاعده، کالاهای مثلی و مورد معامله در بورس است. لازم نیست قیمت بازار رسمی باشد، بلکه همین اندازه که استمرار خرید و فروش در یک مکان خاص موجب بروز و شکل‌گیری قیمت رایج شود، کفایت می‌کند (بهمنی، ۱۳۸۶، ص ۳۹).
- تفاوت قیمت کالا. قیمت کالا بر اساس مبلغ مندرج در قرارداد اولیه، به‌واسطه متغیرهای مختلف از جمله نوسانات بازار، در زمان فسخ آن به ضرر خریدار افزایش یافته، یا به ضرر فروشنده تنزل یافته باشد.
- وحدت جنس، نوع، وصف و مقدار میان کالای موضوع قرارداد اولیه با کالای مشابه. در تعیین قیمت رایج کالا، لزوم وحدت جنس، نوع، وصف و مقدار کالای موضوع قرارداد اصلی با کالای مشابه در بازار باید رعایت شود (داراب‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴؛ قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴).

### ۳. مطالبه خسارت فرعی

با اتکا به ماده ۷۴، هر دو ماده ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون به حق طرف زیان‌دیده بر دریافت هرگونه خسارات فرعی از جمله خسارت عدم‌النفع، تصریح کرده‌اند. بنابراین کنوانسیون این ظرفیت را ایجاد کرده که زیان‌دیده از نقض قرارداد، علاوه بر خسارت مستقیم و اصلی، خسارات فرعی را که در نتیجه اقدام متعهد و با وجود امکان پیش‌بینی آن بر وی تحمیل شده است، مطالبه نماید. برای مثال، چنانچه فروشنده توافق کند کالایی را به خریدار بفروشد، اما از تحویل مبیع خودداری نماید و خریدار نیز بر پایه معامله با وی متعهد شود همان کالای مورد توافق با فروشنده را به قیمت بالاتر به شخص ثالثی واگذار کند، نفع ازدست داده به‌واسطه تخلف فروشنده بر عدم تسلیم کالا به خود و در نتیجه عدم امکان تحویل آن به شخص ثالث را می‌تواند بر مبنای ماده ۷۴ کنوانسیون مطالبه نماید.

در حقوق ایران بنابه تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی خسارت عدم‌النفع قابل مطالبه نیست. خسارات فرعی قابل مطالبه در حقوق ایران خسارت دادرسی، خسارت تأخیر تأدیه و منافع ممکن‌الحصول است. این مقرره با قواعد عام مسئولیت و مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی سازگاری ندارد.

در حقوق انگلیس نیز علاوه بر خسارت مستقیم ناشی از نقض قرارداد (اعم از خودداری از تسلیم کالا، امتناع از تحویل گرفتن یا پرداخت ثمن)، طرف زیان‌دیده می‌تواند در برخی مواقع «خسارت ویژه» (special damages) را که جدای از خسارات معمولی ناشی از نقض قرارداد است، مطالبه کند. این نوع خسارت که در ماده ۵۴ قانون بیع کالای ۱۹۷۹م پیش‌بینی شده است، وقتی محقق می‌شود که طرفین قرارداد در زمان انعقاد آن به شرایط ویژه‌ای توجه داشته و بر مبنای آن قرارداد را منعقد کرده باشند (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۸-۲۷۷).

### ۴. مطالعه تطبیقی معیار بهای رایج بازار در اصول حقوقی اروپایی

پس از آنکه طرف متعهد، قرارداد را نقض کرد و به موجب ماده ۱۰۸-۸ نتوانست عذر موجهی برای عدم اجرای قرارداد اقامه کند و شرایط کلی مطالبه خسارت از جمله قابلیت پیش‌بینی ورود آن موافق ماده ۵۰۳-۹ محقق گردید و زیان‌دیده از قرارداد نیز از طریق معامله جایگزین موضوع ماده ۵۰۶-۹ در صدد جبران زیان بر نیامد، وی می‌تواند بر مبنای ماده ۵۰۷-۹، مابه‌التفاوت ثمن‌المسمی قرارداد با ثمن رایج در زمان فسخ را مطالبه نماید. به موجب ماده ۵۰۷-۹: «در مواردی که شخص زیان‌دیده، قرارداد را فسخ می‌کند و معامله جایگزینی هم منعقد نمی‌کند، اما برای ایفای تعهدی که قرارداد به خاطر آن منعقد شده نرخ رایجی وجود

دارد، او می‌تواند علاوه بر استرداد، مابه‌التفاوت ثمن قراردادی با ثمن رایج در زمان فسخ قرارداد را برای هرگونه ضرر و زیانی که در آینده ممکن است به‌وجود آید، تاحدی که بر اساس این بخش قابل استرداد باشد، تقاضای جبران خسارت کند.»

در مقایسه میان این ماده از اصول حقوق قرارداد اروپایی با ماده ۷۶ کنوانسیون آنچه قابل ملاحظه است اینکه از یک سو، قانون‌گذار اروپایی هم قائل به امکان جبران خسارت زیان‌دیده در صورت عدم انتخاب گزینه معامله جانشین و مطالبه مابه‌التفاوت مبلغ میان ثمن قراردادی کالا و ارزش کالا به نرخ رایج در زمان فسخ است. به علاوه، به زیان‌دیده امکان مطالبه «هرگونه ضرر و زیان متصور در آینده را تا حدی که قابل استرداد باشد» داده است، مشابه حق «مطالبه هر نوع خسارت دیگر که به موجب ماده پیشین قابل ملاحظه باشد» مندرج در بند ۱ ماده ۷۶ کنوانسیون. اما از دیگر سو، عناصر به‌کاررفته در بند ۲ ماده ۷۶ کنوانسیون دایر بر «مطالبه مابه‌التفاوت ثمن قراردادی با قیمت رایج کالا در بازار در زمان تحویل کالا» در موقعی که فسخ پس از تحویل مبیع اعمال می‌گردد، و «معیار قرار دادن قیمت رایج در محل دیگر» در فرضی که در محل تسلیم قراردادی قیمت رایج موجود نباشد، از سوی قانون‌گذار اروپایی پیش‌بینی نشده و مورد حکم قرار نگرفته است.

##### ۵. مطالعه تطبیقی بهای رایج در حقوق انگلیس، فرانسه و ایران

در حقوق انگلیس سازوکار جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد، بیش و کم شبیه فرمول مطرح‌شده از سوی کنوانسیون است. در این حقوق بر مبنای بندهای ۱ و ۲ مواد ۵۰ و ۵۱ SGA در صورت تخلف یک طرف قرارداد، اعم از خودداری نسبت به تسلیم کالا، تحویل آن یا پرداخت ثمن مبیع، متعهدله زیان‌دیده می‌تواند به‌منظور جبران خسارت طرح دعوا نماید. دادگاه در رسیدگی با ارزیابی زیانی که به‌طور مستقیم و طبیعی از نقض قرارداد در حالت عادی ناشی می‌شود، متعهد را به پرداخت آن به‌عنوان خسارت طرف مقابل محکوم می‌نماید. در این محاسبه چنانچه کالای موضوع قرارداد قابل بازفروش باشد، یا بتوان آن را از جای دیگر تهیه کرد، دادگاه تفاوت قیمت معامله دوم یا قیمت روز را از قیمت قراردادی کسر و بقیه را به‌عنوان خسارت منظور می‌دارد (Huet, 1996, p. 520).

در مقررات موضوعه ایران، ازجمله قانون مدنی، به نحو صریح مطالبه خسارت بر مبنای قیمت رایج کالا در بازار مورد حکم قرار نگرفته است، اما قواعد عام مسئولیت و روح حاکم بر مقررات و نیز پشتوانه عرف حاکم در دادوستد کالا، رعایت قاعده یادشده در ماده ۷۶ کنوانسیون را توجیه می‌سازد. به موجب ماده ۲۲۰ قانون مدنی طرفین معامله علاوه بر التزام بر تعهدات در قرارداد، به تمام نتایجی که عرف و عادت آن را نتیجه عقد محسوب نماید، متعهد

می‌باشند. ماده ۲۲۵ همین قانون نیز مقرر می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت، به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است».

به طور کلی هدف از وضع خسارت یا «گرامت» که در لسان فقهای اسلام آمده (خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰)، قرار گرفتن زیان دیده در وضعیت مالی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد در آن وضعیت قرار می‌گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۲ «ج»، ص ۱۴۵)، اما تحمیل چیزی فراتر از آنچه زیان دیده تحمل کرده است، فاقد مبنا و نیز ناروا خواهد بود.

این همان چیزی است که در حقوق طبیعی هم مورد حمایت قرار گرفته است؛ چراکه پرداخت خسارت که صرفاً ماهیت جبرانی ( Full compensation & compensatory nature of damage) دارد، نبایستی موجب ازدیاد دارایی زیان دیده شود. در واقع مسئولیت مدنی برقرار نشده است تا از آن محل تجارت و سوددهی صورت گیرد، بلکه غرض فقط اعاده وضع خسارت دیده به زمان پیش از ورود خسارت است (Anson, 1998, P. 139).

در همین راستا، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در جهت وحدت نظر محاکم قضایی در باب شیوه محاسبه خسارت و گرامت ناشی از مستحق للغير درآمدن مبیع و تفسیری واحد از مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۵ مهر ۱۳۹۳ اجازه داده است تا خریدار مبیع که به دلیل تخلف بایع در انتقال مال غیر، از این معامله فاسد زیان دیده است، علاوه بر ثمن معامله، گرامت وارده را مطالبه نماید و میزان این گرامت را برابر با نقصان و کاهش ارزش ثمن در فاصله تاریخ معامله و تاریخ مطالبه اعلام کند.

### نتیجه

ناهماهنگی و اختلاف رویه کشورهای مختلف در خصوص تحوّه حل و فصل منازعات بین خریدار و فروشنده کالا، سرانجام موجب شد با دخالت سازمان ملل متحد و به دعوت آنسیترال UNSITRAL کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در سال ۱۹۸۰م منعقد شود و نظم و آهنگ واحدی در موازین قانونی کشورهای عضو در برخورد با اختلاف ناشی از بیع کالا برقرار گردد.

در این کنوانسیون از جمله در مواد ۷۵ و ۷۶ به زیان دیده از تخلف طرف مقابل معامله اجازه داده شد که نخست با انجام معامله جایگزین و فروش کالا به مشتری دیگر و یا خرید کالای موردنظر از فروشنده دیگر، نیاز خود را مرتفع سازد و سپس در مقام مطالبه خسارت بر مبنای تفاوت قیمت کالا در دو قرارداد سابق و لاحق از طرف مقصر برآید و دوم اینکه در صورت عدم توسل به این روش، از طریق مطالبه تفاوت قیمت کالا در قرارداد نخست که به واسطه نقض تعهد به سرانجام نرسیده با بهای رایج آن در بازار در زمان فسخ و یا زمان قبض کالا پیش از فسخ، زیان وارده را جبران کند.

دو گزینه یادشده از سوی واضعان اروپایی حقوق قرارداد اروپا مطلوب دیده شد و با حذف روش مطالبه بهای رایج در زمان قبض کالا پیش از فسخ قرارداد، عیناً در مواد ۵۰۶-۹ و ۵۰۷-۹ منعکس گردید.

در حقوق انگلیس بر مبنای بندهای ۱ و ۲ مواد ۵۰ و ۵۱ SGA در فرض تخلف یک طرف قرارداد اعم از خودداری نسبت به تسلیم کالا و تحویل آن یا پرداخت ثمن مبیع، متعهدله می تواند با طرح دعوا در صدد مطالبه خسارت برآید، پرداخت خسارت با اثبات ورود آن از طریق محاسبه تفاوت قیمت کالا با قیمت روز آن در صورتی که کالای موضوع قرارداد قابل بازفروش باشد یا امکان تهیه آن وجود داشته باشد و نیز کسر تفاوت قیمت روز کالا از ثمن قراردادی و الزام مقصر به پرداخت آن به زیان دیده، روش های معمول در این سیستم حقوقی است. اما در مقررات موضوعه کشورمان، بسته به نوع رابطه حقوقی دو طرف، شرایط یادشده در قرارداد، عرف حاکم و دلایل نقض قرارداد یا عدم ایفای تعهدات، دعوا بررسی و راجع به امکان مطالبه خسارت و طریق و شکل پرداخت آن پیش بینی شده است.

در کنار متغیرهای دخیل در تعیین نوع و میزان خسارت، نقش قاضی رسیدگی کننده نیز مؤثر است. شیوه عمل قضات و تفسیر آنها از مقررات مختلف و پراکنده گاه متفاوت است. اما آنچه مسلم است اینکه انجام معامله جایگزین و پرداخت بهای رایج بازار در هیچ نصی پیش بینی نشده است و زیان دیده از قرارداد در انتخاب طریق جبران زیان مختار و صاحب نقش نیست، بلکه حق وی در پرتو تفسیر قاضی از مقررات موجود قابل بررسی است. این شیوه خود موجد تهافت آرا و عقاید شده، به نظر می رسد راه دستیابی به عدالت و تأمین حقوق زیان دیده، انتخاب روش یا روش های واحد و تقلید نقش قاضی در این فرایند است.

در نتیجه به نظر می رسد همان دغدغه ها که واضعان کنوانسیون را به وحدت نظر و انتخاب دو شیوه مشخص برای جبران خسارت ناشی از تخلف قراردادی رهنمون شد، در روابط حقوقی بایع و فروشنده برای قانون گذار ما نیز موجود است و مطلوب آن است که قانون گذار یا با الحاق به کنوانسیون و یا با اقتباس از مبانی آن، روش های جبران خسارت را در مقررات موضوعه متحول نموده، نظم و نسق بخشد و به مسیر مشخص هدایت سازد.

## منابع و مأخذ

### ۱. فارسی

۱. بهمنی، محمد (۱۳۸۶)، «مروری بر شیوه های خاص ارزیابی خسارت قراردادی با تکیه بر مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد،

۱. پیش‌شماره ۱.
۲. حائری شاه باغ، سید علی (۱۳۸۲)، شرح قانون مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۹۱)، تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ج ۳، چ ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، حقوق مدنی، آثار قراردادهای و تعهدات، ج ۳، چ ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. صفایی، حسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی؛ میرزانی‌زاد، اکبر (۱۳۹۲)، حقوق بیع بین‌المللی، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. قاسمی، محسن (۱۳۸۴)، «جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، ش ۳۲.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰)، حقوق مدنی. ضمان قهری - مسئولیت مدنی، چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چ ۲، تهران: نشر دادگستر.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، تهران: انتشارات بهنشهر.
۱۰. کاظمی، محمود (۱۳۸۴)، «قاعده جلوگیری از خسارت»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۸.

## ۲. عربی

۱۱. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰ق)، المکاسب، الجزء الثالث، قم: دارالکتب.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳ش)، تحریر الوسیله، چ ۱۲، مؤسسه نشر اسلامی، دارالعلم.
۱۳. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۹۴ش)، درس خارج فقه، کتاب البیع.
۱۴. طوسی، محمد (۱۳۹۷ش)، المبسوط، به کوشش محمدباقر بهبودی، ج ۳، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۵. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه، ج ۱۴، با تعلیقات عبدالرحیم ربانی شیرازی، قم: انتشارات آل‌البیت.
۱۶. محقق ثانی (محقق کرکی)، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱، چاپ سنگی.
۱۷. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱ق)، رساله استفتائات، ج ۳، چ ۱، قم: انتشارات تفکر.

۳. انگلیسی و فرانسه

18. Anson, (1998), "Law of contract", Oxford.
19. Indira carr , (2005), "International Trade Law", Cavendish Publishing.
20. Honnold, John, (1991), "Uniform Law for International Sales Under the 1980 United Nations Convention", Kluwer Law and Taxation Publisher, Deventer-Boston.
21. Hue't ,Je'rome, (1996), "Droit civil", les Principaux contracts spe'siaux,sous La direction de Jacquse Ghestin, N.11768.L.G.D.J.Paris.
22. Schlechtriem, Peter, (1998), "commentary on convention on the International sale of Goods", Translated by Geoffrey Thomas, 2ed, Oxford university press.
23. Treitel. G.H, (1989), "Remedies for Breach of Contract 1988 A comparative Account", Clarendon press, Oxford.

۴. اینترنتی

24. <http://www.uncitral.org/english/status-e.htm>
25. <http://cisgw3.Law.pace.edu/cisg/biblio/knapp-bb76.html>